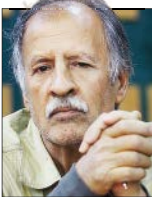


سینما سیاست؟!



فقط این قلم بارها درباب کمبود گونه سیاسی در سینما اشاره داشته است. برای کشوری با فراز و فرودهای پرتلاطم سیاسی و تاریخی مملو و آکنده از حوادث سیاسی قدیمی تا معاصر و جدید

که حالا سالانه نزدیک صد فیلم بلند تولید می‌کند، بی‌تردید این وضعیت یک ضعف اساسی محسوب می‌شود اما تاکید بر زائر در گرایش به جنس سینماست و آثار شبه اجتماعی پر از شعار که ضد تماشاگر است.

سینما برای چی ابداع و راه اندازی شد؟ الان اعم رویکرد موفق سینمای جهان در چه زمینه‌ای است، سیاست پیشگی و... رسیدن به پاسخ پژوهشی و واقع‌گرایه دیگری به پرسش‌هایی که در این زمینه مطرح است شاید علت اصلی رکود و سکون سینمای ایران در داخل و متعاقب بازار خارج (و نه فستیوال‌ها) را به رونق و پویایی برساند.

موروی بر تاریخ سینمای نوین خودمان نشان می‌دهد که تا وقتی سینما به جنس و ذات سینما که رویکرد دراماتیک و سرگرمی

است، نزدیک بود، مردم در سالن‌ها حضور داشتند و حتی بخش خصوصی نیز نقدبندی سالم‌تری را در این بازار سرمایه‌گذاری می‌کرد اما هرچه سینما از ذات خودش دور شد، مردم با این

وسيله مؤثر فرهنگی فاصله گرفتند.

ذات سینما چیست؟ آیا همایی است که اخیرا محمد علی نجفی در مقام نماینده یک جریان فکری اعلام کرد؟ ایشان می‌گوید «ذات سینما سیاسی است و خانه سینما هم سیاسی است». از وقتی این جریان فکری (درکنار جریان سینمای جشنواره‌ای) به سمت تغییر ذات سینما حرکت کردند روز به روز علاوه بر این‌که سینما را دچار انشقاق کرده، فیلمسازان خوب و کاربلدی با همین نگره غلط در تداوم فراری دادن تماشاگران، خود نیز از گردونه ساختن فیلم خارج یا کم کار شدند. مثلا رخشان بنی اعتماد ازجمله کارگردان‌هایی است که تا قبل از فیلم «قصه‌ها» با رویکردی شعاری، آثار قابل توجه سینمای ایران را در کارنامه‌اش دارد که توانام همه طیف‌های فکری و لایه‌های اجتماعی را به خود معطوف و از آنها لذت می‌بردند. اکنون سوال این است که آیا فیلم‌روسی‌ای یا تریپوست شهر سیاسی نبودند؟ قطعاً جواب روشن است. درک همین موضوع تکلیف ما را با سینمای سیاسی یا سیاست در سینما روشن می‌کند. این امری مبرهن است که همه آدم‌ها سیاسی هستند و بر همین اساس مواجهه با تمام پدیده‌ها نیز سیاسی است. به روایت معروف، آنهایی که می‌گویند من سیاسی نیستم، سیاست‌شان ایجاب می‌کند. فیلم هم به عنوان پدیده‌ای که نفس می‌کشد، کارکرد سیاسی پیدا می‌کند اما این واقعیت با آنچه برخی سینماگران از سیاست در سینما تلقی می‌کنند، تفاوت اساسی دارد. اینها سینما را وسیله‌ای شعاری برای فعالیت جناحی می‌خواهند. چنین سینمایی به جای ایجاد موقعیت مفرح برای تماشاگر در درجه اول در سودای کششگر سیاسی به نفع یک جریان و برخی دیدگاه‌ها ناپسند از سوی مردم است. رضا میرکریمی بافیلم «خیلی دور خیلی نزدیک» را مقایسه‌کنید تا آثار بعدی که از مدار ذات سینما به سمت تمایلات دیگری چرخش دارد. آیا فیلم‌های قبلی میرکریمی با سیاست بیگانه بودند؟ و فیلم‌ها و فیلمسازان دیگری را می‌توان نام برد که سینما را با حزب سیاسی و با منظوره‌های دیگری پیشه کرده‌اند. اگر تاریخ سینمای جهان و فیلمسازان بزرگ جهانی را که مورد وثوق همه هستند مد نظر قرار دهیم نتیجه‌ای جدی به‌دست می‌دهد. مثلا آیا فیلم‌های هیچکاک، فورد، هاوکس، کوروساوا و ... سیاسی نیستند؟ قطعاً هستند. ولی آنها در مقام کششگر سیاسی و فیلم‌های‌شان در جایگاه وسیله احزاب عمل نمی‌کنند. اساسا تبدیل فیلم از کارایی هنری و فرهنگی به وسیله سیاسی، کاستن ارزش سینماست. خلاصه این‌که سینمای ایران نیازمند زائر سیاسی است ولی پیش ازآن دوری از شعارزدگی حزبی و باندی هم هست. مخاطب (منهای دسته‌ای خاص) به دیدن فیلمی نمی‌رود که از ذات سینما دور باشد، همچنان‌که می‌داند برای فعالیت سیاسی کجا برود و چه کاری بکند.

«اکران بچه‌زنگ» همزمان با بازگشایی مدارس

انیمیشن سینمایی «بچه‌زنگ» به تهیه‌کنندگی حامد جعفری با برخی تغییرات در نسخه نهایی، برای اکران عمومی در اوایل مهر آماده می‌شود. نسخه‌ای از بچه‌زنگ برای اولین بار در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر رونمایی و بعد از کاندیداتوری در شش بخش اصلی جشنواره، موفق به دریافت سیمرغ بلورین بهترین انیمیشن شد. این فیلم اولین ورود کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عرصه ساخت

نگاهی به فیلم «بی‌رویا» از قاجاق تا اکران آنلاین

چه کابوس‌هایی می‌آیند؟

«بی‌رویا» یکی از سه فیلمی است که نسخه قاجاق آن به‌تازگی در فضایی مجازی منتشر شده، آن هم درست کمی قبل از انتشار رسمی در یکی از پلتفرم‌ها. فارغ از این‌که پیشنهاد می‌کنیم نسخه قانونی فیلم را در اکران آنلاین ببینید، فرصت خوبی است تا به بهانه انتشار فیلم به دو صورت قاجاق و قانونی، سراغ تحلیل و بررسی نخستین فیلم بلند سینمایی آرین وزیردفت‌ری برویم که پیش از این در عرصه فیلم کوتاه موفقیت‌هایی داشت و آثاری چون «چرخ»، «هنوز نه» و «مثل بچه آدم» را در کارنامه دارد.



علی رستگار گروه فرهنگ و هنر

بی‌رویا داستان زوج جوانی به نام رویا و بابک را روایت می‌کند که قصد مهاجرت به دانمارک را دارند اما دو هفته پیش از مهاجرت، رویا با دختری بی‌نام و نشان مواجه می‌شود. حضور دختر در زندگی آنها اتفاقاتی عجیب را رقم می‌زند، به طوری که به‌تدریج هویت رویا دچار دگرگونی می‌شود. طناز طباطبایی، صابر ابر، شادی کرم‌رودی، فرانک کلانتر، نهال دشتی، مانده طهماسبی و رضا داوودنژاد ازجمله بازیگران این فیلم

هستند. این فیلم نخستین بار در بهمن ۱۴۰۰ و در چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر حضور داشت و موفقیت‌هایی هم به دست آورد که مهم‌ترین آنها دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن (طباطبایی) بود. بی‌رویا همچنین در آن دوره جشنواره، در دو بخش بهترین بازیگر نقش مکمل زن (کرم‌رودی) و بهترین فیلم اول هم نامزد دریافت جایزه بود. بی‌رویا به تهیه‌کنندگی سعید سعیدی و هومن سیدی در چند رویداد خارجی هم شرکت کرد. از جمله بخش افق‌های اکسپرا هفتاد و نهمین جشنواره فیلم ونیز.

جسارت در ایده

سینمای ایران به قدری در تولید فیلم‌های اجتماعی افراط می‌کند که هر فیلم ژنریک، تلاش‌ها و تجربیات زائری را متفاوت و جسارت‌آمیز می‌بینیم و ذوق می‌کنیم. اجازه بدهید همین تحسین یک نگاه متفاوت را درباره آرین وزیردفت‌ری، کارگردان فیلم بی‌رویا هم به کار ببریم که توصیه‌های عایت‌طلبانه برای یک شروع مرسوم و معمولی را نادیده گرفت و سراغ ایده‌ای درباره بحران هویت رفت. سینمای اجتماعی و فیلم‌های کمدی که دوقطبی نه چندان زیبایی در سینمای ایران ایجاد کرده، به فرمول و الگوی نامناسبی در فیلمسازی تبدیل شده است و هرگونه حرکت متفاوت و نگاه‌تازه کارگردان‌ها، چندان مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. بنابراین بی‌رویا در همان مواجهه اول و چه بسا با اطلاع از خلاصه قصه و تنها در مختصات سینمای

انیمیشن سینمایی است. همچنین بچه‌زنگ سومین فیلم «گروه هنریویا» بعد از «قلیاش» و «شاهزاده‌روم» است که هر دو گفته می‌شود پرمخاطب‌ترین انیمیشن‌های سینمای ایران تا امروز هستند. بچه‌زنگ ماجرای پسر بچه‌ای به نام محسن است که خود را بر قهرمان می‌داند و در یک اتفاق نادر، به جنگلی اسرارآمیز قدم می‌گذارد و با حیوانات منقرض شده ایران مواجه می‌شود. این آغاز یک ماجرای پیچیده برای نجات آخرین

فیلمساز توضیحی به مخاطب نمی‌دهد. در زمان جشنواره فیلم فجر و گویا صرفا برای دریافت پروانه نمایش، به‌ناچار شرح‌نوشتی در پایان فیلم می‌آمد که به اسکیزوفرنی به عنوان بیماری رویا اشاره می‌شد. اگرچه آن پایان مورت‌تایید نویسنده و کارگردان نبود و شاید تقلیل جهان اثر به علتی ساده‌تر و کلیشه‌ای‌تر بود اما دست‌کم دو دوتا چهار تایی فیلم بیشتر جورد رمی‌آمد ولی در وضعیت کنونی، مسیرهای مبهم زیادی درباره شخصیت‌ها و قصه پیش روی ماست که کد و راهنمای خوب و روشنی هم برای انتخاب راه درست در اختیارمان قرار نمی‌گیرد. اگر قائل به توهم و تغییر هویت رویا باشیم، چرا به منشأ و علت این معلول هیچ اشاره‌ای نمی‌شود؟ آیا در یک سایکودرام، نباید از پیشینه و پس‌زمینه بحران هویتی شخصیت آشفته‌حال باخبر و آگاه باشیم؟ پس چرا نویسنده و فیلمساز ما را از این حق حداقلی و طبیعی محروم می‌کند؟ رویا دچار توهم و بحران هویت است؟ قبول، او در اوضاع روحی و روانی که دارد، قادر به شناسایی همسر و فرزندش در کالتری نیست اما چرا آنها در آن برخورد اول او را نمی‌شناسند، حتی عکس زن دیگری به

عنوان گمشده آن خانواده برای ما نمایش داده می‌شود. در پایان فیلم نیز ورق برمی‌گردد و درمی‌یابیم رویا، واقعا همسر آن مرد و مادر آن کودک است؟ بارداری رویا در پایان فیلم هم مسأله مبهمی است و جوابی قطعی برای آن نداریم، هرچند طبق نشانه ظاهری، مدتی از بازگشت رویا به زندگی قبلی گذشته و او برای بار دوم، مادری را تجربه می‌کند اما ابهامات کماکان چشمک می‌زنند، همچون حضور آرش یا دست‌کم بازیگر آن نقش (رضا داودنژاد) به عنوان نیروی حراست دریاچه چیتگر یا وضعیت لیلی (فرانک کلانتر) دوست رویا که از ابتدای آنها، حضور مرموزی داشت.

از این جنبه و به دلیل دشواری‌ها و تناقضات

مسیر فعلی و متکی بر توهم و تغییر هویت رویا،

بهرتر بود توهم شخصیت اصلی جای خود را

به توطئه اطرافیان برای ایجاد توهم در رویا

می‌داد تا بایک فیلم معمایی و مهیج جذابی

سروکار داشتیم. البته شاید آن مسیر توطئه

هم یادآور نمونه‌های خاصی در سینمای

جهان باشد اما حداقل دلیل و منشأ حیرانی

شخصیت و اتفاقات، توجیه و منطق داشت و

با سردرگم بودن فعلی روایت روبه‌رو نبودیم.

همه ارزش و اعتبار داستان، محدود به ایده و غافلگیری نباشد که در سال‌های اخیر به فرمولی برای ساخت فیلم‌های کوتاه در ایران و جذب تماشاگر تبدیل شده است. ناچاریم اینجا هم در یک نقد و نظر کلیشه‌ای، این ایراد را به فیلم بی‌رویا هم وارد کنیم که ایده‌اش با این شکل از اجرا و روایت، در حد یک فیلم کوتاه کش آمده است، بدون این‌که ابزار جذاب و لازم را در شخصیت‌پردازی و قصه داشته باشد.

مهدی آذرندار، مدیر انجمن سینمای جوانان ایران و دبیر چهلمین جشنواره فیلم کوتاه تهران به‌تازگی در نشست رسانه‌ای این رویداد به این نقص و ایراد در گذر فیلمسازان از فیلم کوتاه به فیلم بلند اشاره کرد و گفت: ما فیلمسازان خوبی در فیلم کوتاه داریم که تکنیک را بلند اما چالش اصلی برای ورود آنها به فیلم بلند، فیلمنامه است و باید بر این حوزه بیشتر تمرکز و کار کنیم.

ببر ایرانی است ... بچه‌زنگ، محصول مشترک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و گروه هنریویا به تهیه‌کنندگی حامد جعفری است که با همت نزدیک به ۲۵۰ نفر از جوانان هنرمند ایران به کارگردانی مشترک بهنود نکویی، هادی محمدیان و محمدجواد جنتی ساخته شده است. بخش بچه‌زنگ بر عهده فیلمبران است و با دریافت پروانه نمایش، برنامه‌ریزی‌ها برای اکران عمومی این اثر اوایل مهر در حال انجام است.



بی‌رویا در وضعیت کنونی اثری معلق میان یک درام روانشناختی، ماورایی، سورئال و معمایی است. باوجود گلایه‌ای همیشگی درباره بی‌اعتنایی به زائر در سینمای ایران، بهتر است در تجربیات معدود در سینمای بلند تکیه‌گاه نویسنده و فیلمساز در یک زائر مشخص باشد و قواعد و مختصات آن در قالب قصه‌ای منسجم به مرحله اجرا برسد. اگر نه تجربیاتی از این دست با سرک کشیدن مبهم و نامشخص به گونه‌های مختلف، منجر به معجونی غریب می‌شود. فیلم‌بینی مدام و پیگیری سینمای کلاسیک و روز جهان به‌شدت پیشنهاد می‌شود و اصلا جزو واجبات نویسنندی، فیلمسازی و بازیگری است اما گاهی نشت و نشست و تاثیرپذیری از آن سینما و نمونه‌های شاخص و موفق برای نوشتن فیلمنامه و ساخت قصه‌ها، غم‌خیز و خروجی آشفته‌ای منجر می‌شود، نظیر اتفاقی که برای بی‌رویا رخ داده است. نداشتن اطلاعات کافی از رویا و چرایی اتفاقات، تنها باعث یک غافلگیری موقتی می‌شود و ماجرا آن‌طور که باید، عمیق و دراماتیزه نمی‌شود. این وضعیت را مقایسه کنید با فیلم‌های شاخصی چون مطب دکتر کالیگاری (روبرت وینه)، مستاجر (رومن پولانسکی)، بچه زمزمی (رومن پولانسکی)، پرسونا (انگمار برگمان)، جزیره شاتر (مارتین اسکورسزی)، پدر (فلوریان زلر) که بحران هویتی یا توهم و پریشان‌حوالی‌های کاراکترهای اصلی، خاستگاه و پیاگاهی روانشناختی و دراماتیک دارند و تکلیف تماشاگر کاملاً با شخصیت‌ها و قصه‌ها روشن می‌شود. اگر بی‌رویا قطعات پازلش را درست می‌چید و قصه‌اش با پروپیمان‌تر، با شخصیت‌پردازی و جزئیات دقیق‌تری روایت می‌کرد، حتی ارجاعات و اشاراتی چون موضوع مهاجرت و رفتن از مسیری آشنا چون سرزمین مادری به مقصدی ناشنا و غریب هم به مثابه بحران هویتی، جایگاه مهم، تعیین‌کننده و هنرمندانه خود را در قصه پیدامی‌کرد.

رویداد

فراخوان برای داوری جشنواره کودکان ونوجوانان

فراخوان جذب و آموزش داوران کودک و نوجوان در رده سنی هشت تا ۱۶ سال ویژه سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان ونوجوانان اصفهان منتشر شد. صدیق چگونیان، مسئول کمیته داوران سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان استان اصفهان اظهار کرد: پوستر فراخوان داوران سی و پنجمین جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان اصفهان در سایت http://portal.icff.ir بارگذاری شده و علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به این سایت، ثبت‌نام کنند. او خاطرنشان کرد: در این دوره از جشنواره کودکان ونوجوانان سنین هشت تا ۱۶ساله طی فرایندی ثبت‌نام و در گروه‌های سنی مختلف تقسیم‌بندی خواهند شد. چگونیان تصریح کرد: متقاضیان باید در آزمونی که از سوی ستاد اجرایی جشنواره برگزار می‌شود، شرکت کنند و پس از جذب در کارگروه‌های مشخص در کارگاه‌های آموزش داوری که برای آنها برنامه‌ریزی و تعیین شده، حضور یابند تا در نهاییات، در سینماهای میزبان جشنواره، به داوری فیلم‌ها بپردازند. مهلت ثبت‌نام داوران در جشنواره تا هفدهم شهریورماه جاری است.



جشنواره

اهدای جوایز برگزیدگان فیلم فجر پس از ۸ ماه

۱۴ برگزیده چهل‌ویکمین دوره جشنواره فیلم فجر، امروز ۶ شهریور پس از هشت ماه طی مراسمی جوایز خود را دریافت می‌کنند.

قرار است در این نشست خودروه‌های این سینماگران به آنها تحویل داده شود. این برنامه با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر صمت، رئیس سازمان صداوسیما، معاون سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونان وزارت صمت، مدیرعامل گروه خودروسازی سایپا، منتخبان جشنواره فیلم فجر و جمعی از سینماگران برگزار خواهد شد. حسن ایزدی، محمدرضا شجاعی، سارا سمیعی، حمید رسولیان شهرام خلج، میثم مولایی، علیرضا زبین دست، مسعود سخاوت، امیر نوبخت، علیرضا علویان، بابک خواجه‌پاشا، پردیس پورعبادینی، سارا حاتمی، مجید صالحی، علی نصیریان، سجاد بابایی، محمدعلی باشه‌آهنگر، سید حامد حسینی و محمد عسگری هنرمندانی هستند که خودروه‌های خود را دریافت خواهند کرد. چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر از ۱۲ تا ۲۲ بهمن سال گذشته برگزار شد و پس از نزدیک به هشت ماه جوایز آنها داده خواهند شد.



توصیه نصیریان به جوانان

نشست صمیمانه علی نصیریان بازیگر پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون در موزه سینما برگزار شد. این بازیگر پیشکسوت در این نشست خطاب به جوانان گفت: حال و آینده هنر نمایش و سینما در دست شما جوانان است. یادتان نرود برای کار هنر، کم آوردن معنا ندارد؛ اگر هدفی دارید، باید آن را پیگیری کنید. اگر شکست خوردید، اگر نگذاشتند و نتوانستید کار کنید، هرگز ناامید نشوید. خلاقیت مانند آب است که نشت می‌کند، بیرون می‌آید و راه خود را پیدا می‌کند. اگر جوهر خلاقیت در وجود شما هست، کار کنید و اگر عشق و علاقه دارید، کوتاهی نکنید. از شکست ترسید. کار کنید و خلاقیت خود را آشکار کنید. باید بدانید که بازیگری به این سادگی نیست.

